

تقسیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد عدم احراز جعل سند در محکمه

جزا و ورود محکمه حقوق در رسیدگی بسند مزبور

از رسیدگی غیاباً چنین رای داده (عمده اعتراضات مستأنف همان است که در محکمه بدایت رسیدگی و محکمه آنرا قابل توجه ندانسته و بنظر محکمه استیناف نیز هیچیک از اعتراضات مستأنف وارد نیست - زیرا تیرنه محکوم علیه (مدعی اعسار) در محکمه جنائی از لحاظ عدم ثبوت اتهام مخصوصاً با ملاحظه دلائل مذکور در حکم که از جمله عدم ثبوت نوشتن حاشیه قبالة در تاریخ مورد دعوی جعل و احتمال اینکه متهم در معاملاتیکه نسبت به رصه و اعیان خانه مورد نزاع از طرف خود ندوده بمناسبت مالکیت خود نسبت باعیان و تحصیل اجازه بدعی از مدعی علیه نسبت بزمین خانه بوده بهمیچوجه منافاتی با ثبوت نوشتن حاشیه در تاریخ مدعی علیه (بدوی) احساس محکومیت خود را در مقابل مدعی (معترض به ثبت) کرده نخواهد داشت و بهمین جهت حکم محکمه بدایت معارضه و مخالفتی با حکم محکمه جنائی نداشته و اشاره نکردن مسجل ورقه در جعل خود به فساد شرح حاشیه باین که بر حسب وکالت بوده با آنکه تاریخ تصحیل در روز بعد از تاریخ حاشیه است نیز ز جمله قرائن قوی در نوشتن حاشیه در تاریخ مؤخر است و معاملات استقراری مدعی علیه هم بعنوان مالکیت خود در تاریخ مؤخر و گذاشتن قبالة زمین را بعنوان امانت نزد صاحب دفتر دلیل محکمی است بر اینکه تا آن موقع شرح مرقوم در حاشیه نوشته نشده بوده است - بنا بر این حکم بدوی تأیید میشود - و پس از اعتراض به حکم غیابی محکمه استیناف مجدداً رأی داده که:

بموجب ذیل ماده ۱۰۳ قانون آزمایش - اگر دعوی جعل بمحکمه جزا رفته و حکم مجهولیت صادر نشد آن حکم در محکمه حقوق متبع خواهد بود و اگر حکم تیرنه صادر گردید : هر گاه حکم بدیم مجهولیت سند هم داده شده باشد و آن حکم مستند به ثبوت اصالت آن باشد محکمه حقوق دیگر وارد رسیدگی بجعل نمی شود و اگر حکم بمجهولیت داده نشده و یا حکم مستند بهیم احراز جعل باشد محکمه حقوق میتواند داخل رسیدگی به دعوی جعل شود .

یک نفر محکوم له بر تقاضای ثبت کسی بعنوان آن که زمین خانه مورد ثبت ملک محکوم علیه او است که مرض حال اعسار داده و ملک مزبور را متعلق حق خود دانسته است اعتراض کرده مدعی علیه زمین را ملک خود دانسته و باستناد شرح حاشیه قبالة آن زمین حاکی از آنکه خریدار آنرا بوکالت از مدعی علیه خریداری کرده - مافیه نرسیده - مدعی شرح حاشیه را جعل دانسته و جعل را محکوم علیه که مدعی اعسار شده معرفی کرده است محکمه جنائی بعنوان عدم احراز جعلیت متهم را از جرم انسانی تیرنه کرده و حکم مزبور قطعی شده پس از آن محکمه بدایت پس از رسیدگی اعتراض مدعی را به ثبت وارد دیده و مقرر داشته که مدعی علیه بدون تصدیق حق معترض حق تقاضای ثبت خانه را ندارد - مدعی علیه بر حکم مزبور اعتراض استینافی کرده محکمه استیناف پس

(خلاصه اعتراضات مستدعی تمیز بمفاد آنکه چون در مورد ادعای جعل متهم در محکمه جنائی تبرئه شده دیگر تشخیص محکمه باینکه نوشقن شرح حاشیه مبنی بر تبانی و تزویر بوده مورد نداشته - وارد نیست چه محکمه بدایت موجهاً این ایراد را رد کرده و محکمه استیناف نیز اعتراضات را وارد ندیده و حکم مزبور را غیاباً و حضوراً تنفیذ کرده بنا بر این ایرادی که مستلزم نقض باشد مشهود نیست و ابرام میشود)

اعتراضات مقترض مناقشه در باب استدلالات محکمه مبنی بر عدم مخالفت رأی محکمه بدایت بارأی محکمه جنائی است و چون استدلال محکمه بشرحیکه ذکر شد صحیح میباشد اعتراضات مزبور قابل توجه نیست بعلاوه بر فرض مخالفت بعضی از دلائل محکمه بدایت با بعضی از دلائل محکمه جنائی این مسئله موجب فسخ حکم محکمه بدایت نمیشود بنا بر این حکم غیابی تأیید میشود - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۳۹۰۳۷۹۱ مورخ ۱۶/۴/۱۲ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد رأی محکمه که متکی بدلیل نیست

تقاضای تمیز خلاصه آنکه :
(تحریف و قلم بردن در ارقام دفتر صندوق شهر - داری که مورد اقرار متهم بوده بموجب ماده ۱۰۲ قانون مجازات عمومی جعل شناخته شده و حکم محکمه جنائی در قسمت تبرئه او با استناد جرم نبودن عمل مزبور مخالف قانون محسوب است) وارد می باشد و نظر محکمه دائر بخدم انطباق عمل انتسابی باماده مزبور بدون توجیه و اتکاء بدلیلی مخدوش وبالنتیجه حکم محکمه در این قسمت مخالف قانون بشمار می رود بنا بر این بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی حکم مزبور بانفاق آراء نقض می شود)

کسی متهم بسه فقره اختلاس و چند فقره محو و الحاق در صفحات دفتر شهرداری بوده محکمه دیوان جزا در قسمت اختلاس متهم را طبق مقررات محکوم و در قسمت دعوی جعل که مدعی العموم با استناد ماده ۱۰۲ قانون مجازات تعقیب کرده بوده بعنوان آنکه مورد منطبق با ماده استنادی نیست متهم را تبرئه میکند -
مدعی العموم از حکم مزبور در قسمت تبرئه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۹۷۱۸۹۳۵ مورخ ۱۶/۴/۲۹ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :
(اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم مورد

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد رد حاکمیکه سابقاً اظهار عقیده در دعوی کرده

دیوان عالی تمیز شعبه (۴) در موضوع دعوی استینافی که یکی از حکام آن سابقاً نسبت بسند مبنای دعوی بعنوان خبرویت اظهار عقیده کتبی بر اصالت آن کرده بوده و در مرحله استینافی نیز اظهار عقیده نموده در حکم شماره ۹۲۹ ر ۱۳۴۵۲ مورخ ۲۸ ر ۱۶ ر ۲۸ باین استدلال رای محکمه استیناف را نقض کرده است :

(نظر بانکه آقای ... که جزء هیئت حاکمه و رای دهندگان در مرحله استیناف است قبلاً بمناسبت انتخاب بخبرویت راجع باصالت سند مدرکیه که مبنای دعوی و مؤثر در ماهیت امر بوده است اظهار عقیده کرده و مطابق فقره ۷ از ماده ۶۶ قانون آزمایش می بایست از اظهار عقیده در این مورد امتناع نماید و مشارکت او مخالف ماده مزبور بوده بنابراین حکم مورد استدعای تمیز نقض میشود) ..

بموجب شق ۷ از ماده ۶۶ قانون آزمایش - وقتیکه حاکم سابقاً اظهار عقیده کتبی در باب ادعائی که اقامه شده نموده است (مگر در مواردی که قانون اجازه داده از قبیل رسیدگی با اعتراض بر حکم غیابی و اعاده محاکمه از رسیدگی باید امتناع کند و متداعیین حق خواهند داشت آن حاکم را رد کنند .

اصول قضائی در شماره ۳۱۸ باستناد چند فقره حکم تمیزی که شماره و تاریخ آن ذکر شده مینویسد :
(در مورد شق ۷ از ماده ۶۶) وحدت ارکان دعوی بتمام جهات باید ملاحظه شود بنابراین اظهار عقیده قبلی محکمه استیناف در موضوع قراری که مورد شکایت استینافی واقع شده موجب رد آنها نخواهد گردید و مانعی نخواهد داشت که بعد ها با لای قضیه رسیدگی نموده و رای بدهند و بالأجمله اظهار عقیده در اطراف دعوی مانع از اظهار نظر در ماهیت دعوی نخواهد بود)

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد وکالت و کیلیکه صلاحیت او محدود است

در حکم شماره ۹۳۲ ر ۱۳۹۲۵ مورخ ۲۸ ر ۱۶ ر ۲۸ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :
(اعتراض عمده مستدعی تمیز آن است که وکیل که ذر صورت مجلس نامبرده شده وکالت استینافی نداشته و صلاحیت او نیز محدود به مرحله بدایت بوده و کلیه اوراق احضاریه بخود او ابلاغ و در جلسات محاکمه شخصاً حاضر می شده - نظر بانکه مطابق حکایت پرونده عمل احضاریه ها بخود او ابلاغ میشده و در جلسات محاکمه استینافی که منتهی بصدر حکم استینافی شده خود او شخصاً حضور داشته و از محکمه خارج شده و طبق صورت اسامی

حکمی از محکمه بدایت علیه مدعی علیه صادر می شود - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف می خواهد محکمه استیناف حکم بدوی را فسخ و مدعی به را ملک مستأفق می داند و مدعیان بدوی را محکوم به بیحقی می کند یکی از مدعیان بعنوان آنکه در مرحله استینافی خود حاضر نشده و وکیل هم نداشته بر حکم استینافی اعتراض می کند محکمه استیناف باستناد حکایت صورت مجلس و وکالت و کیلی را از طرف معترض محرز دانسته و عرضحال اعتراض را رد کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۴)

امر غیابی بودن حکم مسلم و اعتراض بر آن مانع قانونی نداشته بنابراین قرار رد عرض حاج مخدوش و بموجب ماده ۳۴۰ قانون اصول محاکمات حقوقی باتفاق آراء نقض می شود ()

و کلاء معلوم می شود که صلاحیت و کیل مزبور بدرجه (۴) و کالت محدود و در مجله درج شده باین حال او حق حضور در جلسات محاکمه بر فرض داشتن وکالت استینافی نداشته و نباید در محکمه پذیرفته شود و مطابق جریان

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد خسارت حق وکالت بیشتر از قرارداد

مورد چون طبق قرار داد موجود در پرونده مبلغی را که مستدعی علیها برای حق الوکاله و کیل خود در تمام مراحل تعیین کرده و مورد قبول و کیل شده است کلا یک هزار ریال است مهذا تعیین یک هزار ریال فقط برای حق الوکاله مرحله استینافی بر فرس اینکه مطابق نظریه خبره میزان اجرت عمل و کیل باشد زائد بر میزان خسارتی است که نتیجه بموکل در این قسمت متوجه شده و حق مطالبه آنرا دارد بنا بر این حکم ممیز عنه مخالف بامدلول قراردادی است که دعوی خسارت ناشی از آن است و طبق ماده ۳۴۰ آزمایش باتفاق آراء نقض میشود ()

کسی باستناد حکم قطعی از محکمه استینافی تقاضای رسیدگی و صدور حکم نسبت بخسارت حق وکالت مرحله استینافی و تمیزی را نموده - محکمه استینافی برای تعیین مبلغ ارجاع بخبره کرده - خبره ها حق زحمت و کیل در مرحله استینافی را یک هزار ریال معین کرده اند و محکمه طبق رأی خبره مدعی علیه را پرداخت بکهاز ریال خسارت حق وکالت محکوم کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۴۲/۱۳۹۸۷ مورخ ۱۶/۵/۱۲ چنین رأی داده است .

(قدر مسلم در میزان حق مطالبه خسارت همان خسارتی است که بر محکوم له وارد آمده باشد و در این

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد رسیدگی بمندرجات مدرک دعوی

در جزء اعلامیکه تحت عنوان (املک معینه مال الوصیه) قلمی گردیده ذکر از ملک مورد اعتراض نشده و فقط در ضمن عبارت اسمی از آن ملک برده شده علاوه بر اینکه ملک مزبور در آن عبارت توصیف و تحدید نشده ذکر آن عبارت دلیل بر نبودن آن ملک در جزء مال الوصیه است بلکه عبارت « باید مقولی در تعمیر و مخارج آن ملک سعی نماید » خلاف این معنی را میرساند زیرا متعلق

دو نفر بدعوی مال الوصیه و تولیت بر تقاضای ثبتی که از طرف اداره اوقاف بعنوان وقفیت ملک و مجهول التولیه بودن بعمل آمده بود در محکمه بدایت اعتراض کرده محکمه بنفع معترضین حکم بمال الوصیه بودن ملک مورد اعتراض و تولیت مدعیان صادر کرده - محکوم علیه استیناف داده - محکمه پس از رسیدگی چنین رأی داده : (نظر باینکه در وصیت نامه ابرازی مستأنف علیهما

از طرف اداره معترض علیه و مدعی علیه مورد تصدیق واقع گردیده و محکمه بدون جهت و دلیل اسناد مزبور را رد کرده و مواد راجحه باعتبار اسناد کتبی را از ماده ۱۷۴ تا ۱۸۰ رعایت نکرده اعتراض مزبور وارد است - چه با اینکه دکانین معین در عرضحال بعنوان مجهول - التولیه از طرف اداره معترض علیهما مورد تقاضی ثبت واقع گردیده و مجهول التولیه بودن آنها با مندرجات نامه‌های مسلم الصدور آن اداره مخالف است بر محکمه لازم بوده نسبت بنامه های مزبوره که مدرک اصلی دعوی بوده رسیدگی و تمام مندرجات آنها را مورد توجه کامل قرار داده باشد و رأی مقتضی را موجهاً صادر نماید و چون صدور رأی قبل از رسیدگی و توجه بتمام مندرجات اوراق مزبوره موجب نقصان محاکمه و مخالف با ماده ۱۷۴ قانون آزمایش است بموجب ماده ۳۴۰ قانون مزبور حکم مورد استدعاء تمیز باتفاق آراء منقوض و تجدید رسیدگی بشعبه دیگر محکمه ارجاع میشود .)

تولیت وقف است نه مال الوصیه و تنها اشاره در نامه اداره اوقاف خصوصاً عبارت « در اسناد ملحوظ شما دو نفر متولی هستید » بدون ابراز اسناد مزبور در محکمه کافی برای اثبات بودن آملک در جزء مال الوصیه نیست و چون طرفین دعوی تسلیم به تلف ملک مزبور بمسجد هستند و دعوی تولیت منصوصی هم نشده باین لحاظ حکم ابتدائی معلول و فسخ میشود .

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۱۰۹/۱۳۰۹۲ مورخ ۱۸/۵/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است .

(از جمله اعتراضات و کیل مستدعی تمیز آن است - نامه های صادر از اداره اوقاف که از جهت تصدیق صدور آنها در عداد اسناد رسمی محسوب میشود و صریحاً در آنها مال الوصایه بودن املاک و وصی منصوص بودن موکلم

تصمیم دیوان عالی تمیز در مورد دعوی اعسار در جزای نقدی

قرار مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۱۰۶/۹۷۳۴ مورخ ۸/۵/۱۶ چنین رأی داده است :

(قطع نظر از این که اساساً در چنین موردیکه اعسار راجع بتادیه محکوم به حکم محکمه جنحه بوده (جزای نقدی) طرح دعوی و رسیدگی به آن در آن محکمه مانند دعاوی اعسار در امور حقوقی محل نظر است قرار در عرضحال استینافی نیز که فعلاً مورد رسیدگی تمیزی واقع شده باستناد اینکه دعوی مستأنف حقوقی بوده و میبایست عرضحال خود را مطابق مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی تنظیم و به مراجع معینه در آن

کسی به محکمه جنحه بعنوان دعوی اعسار از پرداخت محکوم به که به موجب حکم محکمه محکوم به مجازات نقدی شده بوده عرضحال میدهد محکمه پس از رسیدگی او را محکوم ببطالان دعوی مینماید .

محکوم علیه در ذیل حکم که باو ابلاغ شده در خواست رسیدگی استینافی کرده - محکمه استینافی از لحاظ اینکه تقاضای استیناف را که ذیل حکم کرده نمیتوان تقدیم عرضحال تلقی کرد و تقدیم عرضحال بر طبق ماده ۲۹۰ آ.م.ا. باید به محل های مذکور در آن ماده بشود تقاضای مزبور را بشرح قراریکه صادر شده قابل ترتیب اثر ندانسته است - محکوم علیه از

محسوب می شود و مربوط باجرائیات يك حكم جزائی بوده نخواهد بود بنابراین این قرار مورد استدعای تمیز مخالف قانون محسوب و طبق ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود (۰۰)

قانون تسلیم کرده باشد صحیح نیست زیرا مواد مزبور راجع باستیناف از احکام صادر از محاکم حقوقی میباشد که موضوعاً مربوط با امور حقوقی باشد و ناظر به چنین موردی که موضوع دعوی از توابع و منقرعات امر جزائی

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد رعایت مسافت کمتر از شش فرسخ

(اعتراضات مستدعی تمیز حاکی از اینکه تصدیق مامور از حیث تاریخ ابلاغ موافق واقع نبوده موجه نیست چه در نظر محکمه استیناف پس از تحقیقات لازمه مسلم شده است که تاریخ ابلاغ ۲۶ ر ۲ ر ۱۵ بوده است ولی اعتراض اخیر مستدعی تمیز راجع باینکه از محل اقامت مشار الیه تا محل محکمه دو فرسخ بوده و حق المسافه منظور نشده است بر قرار ممیز عنه موجه است چه بطوری که از قواعد کلی و مواد مربوطه مستنبط است اگر محل اقامت مستانف در جائی باشد که محکمه در آنجا تشکیل نشده حق المسافه باید منظور شود و دلیلی موجود نیست که چنانچه مسافت مزبور کمتر از شش فرسخ باشد موجب سقوط حق مزبور گردد و با فرض این که مطابقت تشخیص محکمه مسافت يك فرسخ هم باشد حد اقل مدت يك روز قابل احتساب است و چون محکمه مراعات حق مزبور را ننموده قرار ممیز عنه مخدوش و طبق ماده ۳۴۰ با کثرت آراء نقض میشود (۰)

بموجب ماده ۴۲ قانون آزمایش - هر گاه محل اقامت مدعی یا مدعی علیه خارج از مقر محکمه باشد به نسبت هر شش فرسخ مسافت میان اقامتگاه آنها تا مقر محکمه يك روز بر موعده مقرر اضافه میشود.

حکمی از محکمه بدایت به محکومیت کسی نسبت به بهای معامله و خسارت صادر می شود - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف میخواهد - در محکمه استیناف و کیل مستانف علیه به رضحال استینافی مستانف از جهت آنکه در خارج از مدت قانونی تقدیم شده ایراد نموده محکمه قرار تحقیق برای تاریخ ابلاغ صادر کرده و پس از اجرای تحقیقات قرار رد عرضحال استینافی را بعنوان خروج از موعده داده است - محکوم علیه از قرار مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شبهه (۳) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۱۰۲ ر ۱۴۱۰۳ با کثرت آراء چنین رای داده است:

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد رسیدگی بدعوی بطرفیت قیم جدید بدون آنکه عزل قیم سابق و نصب قیم لاحق در نظر محکمه محرز شده باشد

مرحله اعتراض که معترض وصیت نامه و قرار دادی ارائه داده (حاکی از این که برای صغیر از طرف وصی دو نفر قیم تعیین شده و آنها مفاصاً حساب به مدعی علیه داده اند) محکمه به عنوان آنکه وصیت نامه منسوب بمورث

کسی بعنوان قیم بودن از طرف صغیر بن کس دیگر اقامه دعوی کرده و سهم شرکت مورث صغیر را مطالبه میکند - محکمه بدایت پس از رسیدگی مدعی علیه را غیاباً به پرداخت بابتی به مدعی محکوم مینماید - و در

بیحقی است (۰)

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۴) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۰۲/۱۲۹۲۳ مورخ ۱۶/۵/۱۶۰۵ چنین رأی داده است:

(نظر باینکه محکمه استیناف بشرحی که در حکم خود ذکر کرده وصی بودن آن دو نفر را از طرف مورث بر صغیر محرز و دخالت یار که بدایت را در نصب قیم بيمورد دانسته با وجود این مستأنف را بعنوان این که اخیراً منصوب بقیمومت شده محکوم به بیحقی در دعوی کرده و دلیل بر اینکه با وجود بودن وصی (قیم منصوص) بر صغیر نصب قیم جدید مورد نداشته یا بعداً بماتی مورد پیدا کرده نیاورده بنابراین این قبول دعوی مدعی به عنوان قیمومت و محکوم کردن صغیر بنمایندگی او موجه نبوده و باتفاق آراء حکم مزبور نقض می شود ...)

منحصر بورقه استنادی معترض نبوده و توافق آن دو نفر قیم بر طبق ورقه قراردادی است که هر دو باهم باید در امر صغیر مداخله نمایند و این قرار داد که معترض بضمیمه وصیت نامه ارائه داده دلیل تزلزل و تردید در امر اعتبار وصیت نامه است حکم غیابی را تأیید کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده - محکمه پس از رسیدگی بدین مفاد رأی داده:

نظر باینکه مستأنف علیه اقرار بصدور وصیت نامه از ناحیه مورث صغیر نموده و وصیت نامه مزبور حاکی است از این که مورث دو نفر را بر صغیر خود قیم قرار داده و بهمین لحاظ دخالت یار که در نصب قیم بيمورد بوده و نظر باینکه دو قیم مزبور راجع باختلاف میان موصی و مستأنف شرحی نوشته اند که مورد اعتراف مستأنف علیه واقع شده بنابراین این تعقیب قضیه از ناحیه قیم منصوب بيمورد و حکم بدوی فسخ و مدعی محکوم به:

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد وجود آثار تصرف در ملک غیر

خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۱۳۸۰۳/۹۹۸۱ مورخ ۳۱/۴/۱۶۰۴ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

(عمده استدلال محکمه در رأی بمحکومیت مستدعی تمیز راجع بتقسیمی از حکم مندرجات سند مالکیت مدعی است و باینکه در سند مزبور ذکر شده حد شرقی خانه دیواری است بخانه مدعی علیه که محکمه از تعبیر مزبور اختصاصی بودن دیوار مورد دعوی را نسبت بمدعی استنباط نموده که چون استدلال فوق موافق سند مالکیت است و استنباط مزبور نیز مخالفی باصراحت عبارت آن ندارد خالی از اشکال است و از این جهت اعتراضات مستدعی تمیز وارد نیست ولی در قسمت مستراح استناد محکمه باینکه چون داخل ملک مدعی است از متعلقات آن شناخته میشود

کسی باستناد سند مالکیت بر همسایه خود بعنوان آنکه مستراح موجود در دیوار او را تصرف کرده است در محکمه بدایت اقامه دعوی نموده - محکمه پس از ارجاع بخبره و رسیدگی چنین رأی داده است: (نظر بدلالات سند مالکیت و صورت تعیین حدود باینکه حد شرقی خانه مدعی دیواری است بخانه مدعی علیه و محدود بودن خانه بدیوار دلیل اختصاصی بودن آن بمورد ثبت مدعی است و طبق صورت مجلس تعیین حدود و حکایت نقشه مستراح مزبور داخل ملک مدعی واقع و از متعلقات آن شناخته شده عقیده خبره در این قسمت معتبر نبوده و مدعی علیه محکوم برفع يد از محل مزبور میباشد) محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده - محکمه استیناف رأی بدوی را تأیید کرده - محکوم علیه از حکم استینافی تمیز

مالکیت او نسبت به مستراح نبوده و مالکیت دیوار مستلزم مالکیت آنچه در داخل آن ساخته شده و در تصرف دیگری است نمیباشد بالجمله چون استدلال محکمه در این قسمت مخدوش است حکم مورد استدعاء تمیز بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش در این قسمت با اتفاق آراء نقض میگردد (۰۰۰)

موجه نیست زیرا با اینکه در سند مالکیت ذکرئی از آن نشده و مطابق صورت معاینه و گزارش خبرگان آثار تصرف و راهی از طرف خانه مدعی به مستراح مشاهده نگردیده و راه رو آن فقط از طرف خانه مدعی علیه بوده که در تصرف اوست مجروح شدن راهرو مزبور در داخل دیواری که محکوم بملکیت مدعی است دلیل

تصمیم دیوان عالی تمیز

راجع به واردشمول ماده ۱۷۷ قانون مجازات

کرده است .

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۱۰۹۲ ر ۸۴۸۹ مورخ ۱۷ ر ۵ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(بر حسب تقاضای تمیز تبیی نماینده پار که دیوان عالی تمیز باستناد ذیل ماده ۴۳۲ اصول محاکمات جزائی چنین رأی میدهد .

تطبیق علمی که در نظر محکمه ثابت شده یعنی ارتکاب عمل بقصد ایراد آن بشخص و واقع شدن آن بر شخصی دیگر بدون قصد مخصوص راجع باو بر عنوان بی احتیاطی مذکور در ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی که طبعاً در اعمال مباح فرض می شود نه در جرائم صحیح نبوده و در این مورد اگر چه میان منظور مرتکب و آنچه در خارج واقع شده تفاوتی هست و لیکن چون این تفاوت مؤثر نیست عمل عمدی محسوب و حکم مزبور نقض میشود ...)

بموجب ماده ۱۷۷ قانون مجازات - هرگاه بوسیله بی مبالائی یا بی احتیاطی یا اقدام بامریکه مرتکب در آن مهارت نداشته یا عدم رعایت نظامات دولتی قتل غیر عمدی واقع شود مرتکب بحبس تأدیبی از يك سال تا سه سال محکوم خواهد شد .

کسی بانتهام اینکه بر اثر مناقشه و منازعه سنگی بر داشته و بطرف پسر آنشخص که طرف او بوده انداخته سنگ مزبور پسر دیگر آن کس رسیده و بر اثر آن بفاصله ۲۴ ساعت فوت شده است باستناد ماده ۱۷۷ مورد تعقیب پار که بدایت واقع و محکمه جنحه بعنوان آنکه عمل جنائی است قرار عدم صلاحیت صادر و در محکمه استیناف تأیید شده محکمه جنائی باستناد اینکه ایراد ضرب عمدی نسبت به برادر دیگر که مقصود زنده بوده واقع نشده و نسبت به برادر مورد ضرب و جرح که منتهی بفوتش شده مرتکب قصد عمل نداشته - قضیه را مشمول عنوان بی مبالائی دانسته و با ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی تطبیق و با رعایت تخفیف متهم را بدوماه حبس تأدیبی محکوم